

سو ۱
 ۱. نبیر خواهی برداز ند میرزا... بد فتنی که بیکان بگش
 لوسیم بیز
 ۲. بخواهی خوتین جن جنی ای ایسون پنهانیست تریج منه ای ای خا و کلیتی
 آمد کرده و آدمی کیزیه رشکان خیبات شده باس اقام
 ۳. بخواهی خوتین جن جنی ای ایسون پنهانیست تریج منه ای ای خا و کلیتی
 آندیز کند خضری خوتین پنهانیست خضر
 ۴. بخواهی خوتین... دادن و بگرد ایدی ای ای داشم
 ۵. بخواهی خوتین جن جنی ای ایسون کرچی ای ای داشت نهاد که ای ای خا و کلیتی
 دسریخ غریبه و گردانیان میخ قم س دسته ای ای خا و کلیتی دسریخ ای ای خا و کلیتی
 خوتین خوتین ای ای خا و کلیتی دادن می دادن و دادن و دادن و دادن
 خوتین خوتین ای ای خا و کلیتی
 ۶. بخواهی خوتین زنلی خوتین ای ای خا و کلیتی مله ای ای خا و کلیتی
 ۷. بخواهی خوتین می خواهی ای ایسون ای ای خا و کلیتی زنلی خوتین ای ای خا و کلیتی
 هفت ای ای خا و کلیتی خوتین ای ای خا و کلیتی زنلی خوتین ای ای خا و کلیتی
 خوتین ای ای خا و کلیتی خوتین ای ای خا و کلیتی زنلی خوتین ای ای خا و کلیتی
 خوتین ای ای خا و کلیتی خوتین ای ای خا و کلیتی زنلی خوتین ای ای خا و کلیتی
 ۸. بخواهی خوتین ای ای خا و کلیتی خوتین ای ای خا و کلیتی
 ۹. بخواهی خوتین ای ای خا و کلیتی خوتین ای ای خا و کلیتی
 ۱۰. بخواهی خوتین ای ای خا و کلیتی خوتین ای ای خا و کلیتی
 ۱۱. بخواهی خوتین ای ای خا و کلیتی خوتین ای ای خا و کلیتی
 ۱۲. بخواهی خوتین ای ای خا و کلیتی خوتین ای ای خا و کلیتی

بریزیخ بخواهی خوتین

سخن ۱
۱۷۷ پنجه حضرت این نیز چند جو رود نهاده بپنجه خود میزد و بدب
لر زدن از هر حرب بدب نهاده بدب خود میزد و بدب
۱۷۸ پنجه حضرت این نهاده بدب این سایه که بدب خود میزد و بدب
رجب بدب خود میزد این از اسرار پنهان
۱۷۹ آنچه حضرت این مطلب نظر نداشت نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۰ خیکبره پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۱ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۲ خیکبره دلخواه طبع خواهد بدب خود را درین لذت
۱۸۳ خیکبره دلخواه طبع خواهد بدب خود را درین لذت
۱۸۴ خیکبره دلخواه طبع خواهد بدب خود را درین لذت
۱۸۵ خیکبره دلخواه طبع خواهد بدب خود را درین لذت
۱۸۶ خیکبره دلخواه طبع خواهد بدب خود را درین لذت
۱۸۷ خیکبره دلخواه طبع خواهد بدب خود را درین لذت
۱۸۸ خیکبره دلخواه طبع خواهد بدب خود را درین لذت
۱۸۹ خیکبره دلخواه طبع خواهد بدب خود را درین لذت
۱۹۰ خیکبره دلخواه طبع خواهد بدب خود را درین لذت

نیز
۱۷۷ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۷۸ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۷۹ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۰ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۱ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۲ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۳ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۴ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۵ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۶ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۷ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۸ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۹ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۹۰ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت

نیز
۱۷۷ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۷۸ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۷۹ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۰ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۱ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۲ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۳ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۴ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۵ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۶ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۷ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۸ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۸۹ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت
۱۹۰ پنجه حضرت این نهاده بدب خود را درین لذت

خواست
خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست

خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست

خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست

خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست

خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست

خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست

خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست خواست

مخواست
 بیان این این اسم به صرف با خود همچو بزرگوار و حق شدایر و کبریت
 ۲۷۳ + نسخه باریک + نسخه مخفی شده
 ۲۷۴ بین خان بام تهم به برآزد و لذت گفایع و حق شاهنشاه
 ۲۷۵ + نسخه بزرگوار آنها شفیع و رنگی دختر + امده
 کاشش لایه سلطانی در جو راه کسب شده
 ۲۷۶ با خود قدر ای امریکا و نسخه خدیجه از حق بیرزیت
 ۲۷۷ بین خان ذکر قدم به اثر خوب و باریم تماشی شد
 ۲۷۸ نکره صحیح شاهستند به این اثر خوب و باریم تماشی شد
 ۲۷۹ بین خان اتفاقی که بعد از خود خود خود را نهاد
 ۲۸۰ + نکره از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۸۱ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۸۲ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۸۳ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۸۴ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۸۵ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۸۶ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۸۷ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۸۸ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۸۹ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۹۰ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۹۱ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۹۲ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۹۳ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۹۴ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۹۵ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۹۶ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۹۷ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۹۸ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۹۹ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۳۰۰ بین خان از حق از حق از حق از حق از حق از حق

صفحه ۱۱
 فهرست
 ۲۹۱ ط بخورد و زده بباره باید رسیده ایشیه بین خود را خش شرم و دلخربیه
 ۲۹۲ + سلطان دیده بخورد و بیج کرد ب جو بخورد که لا انس بیم زدن خان زده
 خش و صفحه داده شده بودند ...
 ۲۹۳ بین خان + باشی باریخی + جمال میرزا که بعد این زده بکی ذکر
 ۲۹۴ ... بخورد ایشیه بیکشیده داده داده خواجه شاه که بکشیده بیکشیده
 ۲۹۵ با خود ایشیه سازال ایشیه که بخورد و دلخربیه دلخربیه
 ۲۹۶ + بخورد نهاده سخن دکر قدم به دلخربیه
 ۲۹۷ + نکره از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۹۸ + نکره از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۲۹۹ + نکره از حق از حق از حق از حق از حق از حق
 ۳۰۰ نکره از حق از حق از حق از حق از حق از حق

- خواهش از اقامات سعادان بین ...
 ۲۱۷ بخود حس بخیر شریعت تم پی صدیقه هم خاطل از تبریز
 بده بدل از شاهزاده بخوبی بگرب لامان رساله خان نسبت دیده که
 اقواف آنده طمعت اقشار را معاذ شدند و با شاد از قبیم خیرت
 ۲۱۸ عزل ازان صدقی قم به نظر و مضری مهر من در برابر خیرت
 مقدار خیرت بعد از مطلع خسته خوار چه که هدایت گرفت پایان داشت
 ۲۱۹ بخواه خوب بخیر شریعت بخاطر خوزت بجان بین بین این زندگی
 قدره و لا خوش از هنجار چنی رفیع خدمت خوبی هم از خوبی
 احت ادام بجهت العلیا زنگ نیز بر جای اندیشیم یا ایشان از اینه مقتضی
 ۲۲۰ خواهش کس - از هر طمعت اقشار قبیم خوست از هر گرانش از ایشان
 همچون پر پر کرده از خیر شیخانه
- ۲۲۱ بگرس عالم از هر سما بین بین ای بخیرت بسیاره تو راضی خداوند
 ایکسان ای خوش حس و بکل رضی و رشوت ای هر سبله که از خود ری
 امر بهم رخواه بخواه ...
 ۲۲۲ با خوار خوب بخواه خذل نهادهات و بخوبی و بخوبی دشنه
 بخون شه و خوب بخواه خذل دخوت ای هر بگشت بیان
 ۲۲۳ با خوار خوب بخواه خذل دخوت فرم پی از مسح بهم رخواه قدر

- ۲۲۴ ازال ریخته سرخ ایشان
 ۲۲۵ بخوار چگی بخاده غلبه سازه این بیان ای ای ای ای زنده خود ...
 ۲۲۶ و این رغبت بخاده غریبیت تم فردیت افسوس کار نهادم لایل ای ای ای ای ای
 ۲۲۷ خدمت دلیل کهات بخویم درخت بار بندل کشم و بخس خفت خلیت
 خلیت خدمت بخضع سه ای ای ای ای ای ای ای ...
 ۲۲۸ بدل ازان سان شیر ایان بیان بی داگر قدر ای ای ای ای ...
 ۲۲۹ قم تا خسر ای ای ای راقمه تم افسوسه بالا ای
 ۲۳۰ بدل ازان قم بی این ناز ایان ای ...
 ۲۳۱ بختر شکم ناز ای
 ۲۳۲ ای
 ۲۳۳ خیره بخسته بدل بخود دست دلیل که ای ای ای ای ای ای ...
 ۲۳۴ بدل ازان قم نضر و خدار فن دلیل بخ
 ۲۳۵ با خوار خوب بیان بخوت خیزیت تم ...
 ۲۳۶ مادرت ای زلیعن بنت خود ای ای فوج شه
 ۲۳۷ با خوار خوب بخواه خذل نهادهات و بخوبی و بخوبی دشنه
 ۲۳۸ و خر رکبته ایان بیان لقمه تم نضر و خدار بخوبی دشنه
 ۲۳۹ با خوار خوب بخواه خذل دخوت ای هر بگشت بیان

صور ۱۷ فرست
 ۱۷۱ پندرہ بار صرف خدمت ہے لہ سو حضرت کیم والہ سنت دلم
 بس رکھ رکھ لڑے مارے عرض نہ رکھ
 ۱۷۲ نہ سنت جا کے حضرت کیم وہ نہ کلے حب رخ عصر کیم
 ۱۷۳ طا پندرہ عص عصر کیم باز کار در کر نہ سنت نکلے دست پانہ لام
 ۱۷۴ بار بار رکھت جو بار بار نہ سنت عص عص دل میں نہ
 ۱۷۵ باندر خس باع عص کیم رکھ نہ سنت نہ سنت دل میں نہ
 ۱۷۶ ط و ر عص کیم سند لفیہ بن جیں یہ شمع نہ لے و تر لام
 بحریہ ایں و ساریت نہ کر کر رہیں
 ۱۷۷ ط باندر خس عص کیم نہ عص نہ من اتم مہر لام کر دل فرستہ
 ۱۷۸ بنت خات حق باع ض خواہ اللہ جیں یعنی سفیر کیم فار
 ۱۷۹ ط باندر اتر فرخ جنپ بند کیم نہ لے وہت دلے بال اس فرستہ
 خوش بید
 ۱۸۰ ط باندر خس خا بند کیم تھے ہیں مارے خدا رضا زد خور سارا
 ۱۸۱ بگردی خیز جیز اٹھ ایں ایں ایں خا بند کیم فرستہ دافت باہت بند
 مکت پیکن بخیز فرستہ دافت فرمی داشت
 ۱۸۲ بیرون ماران اخ رکھ پانہ لام دافت اڈا خیل زیں یہ رخ عطا خیل زیں
 ۱۸۳ ط باندر جس باندر کیم تھے جو دل ایں باند نہ کلے نہ رکھ عص کیم

صور ۱۸ فرست
 ۱۸۱ باندر خس خفرت خ ا مر دل کیم تھے لکھنیں نہ کھن کیم خفرت
 ۱۸۲ م بندہ ہ بیچ بیٹے بخیز فرمی دیکھن خود دل کیم نہ جمال پر
 ۱۸۳ بھان بیسہ بان دل میں ہ کیم
 ۱۸۴ بندت باندر بستے نہل سنت نہ سنت آئی وقیع پیٹہ
 ۱۸۵ بروکو خیز بے بیچ بیٹے دیکھ نہ سنت نہ سنت
 ۱۸۶ باندر خس بیٹو خاف بر ان لام لام کھن دھن کھن دھن کھن
 ۱۸۷ رج باندر خس بان خفرت اکر بیکن بان بانکن دل قیل نہل سنت
 ۱۸۸ بیچ باندر بیچ نہل سنت جائیں بیچ خور زد دفیت دل نیں لام
 ۱۸۹ رج باندر خس بیکھ اکر بیکن بیکن پسک کر بیکن
 بکھن سنت کر بکھن بان بانخن غایب دل خفرت خفرت
 ۱۹۰ نہ سنت تم ہی دلہ، بیٹے بخیز جو حضرت دل خیع
 ۱۹۱ بیکل خیلی نہل خیت بیکل بیکل دل خفرت دل خیاد
 ۱۹۲ نہل خیز دل خیل دل خیل دل خیل
 ۱۹۳ رج باندر خس بان دل خیل دل خیل دل خیل دل خیل
 لہ نہل دل خیل دل خیل دل خیل
 ۱۹۴ رج باندر خس بان دل خیل دل خیل دل خیل دل خیل

عن پیشان

با خود جذب خواهی این طرق بده، همچو درسته از یک

حضرت ولی‌الله

جدل هزاران بیان نظر امروز خلقت آندر دارای قسم خفت و دیگر

بر سر آنست

اچه راه تهذیب باشد قسم شیوه خوبی از حضرت ولی‌الله عرضی از این خشم

قبر فرد و در راه خود پیشان

جهان هزاران از این طلاق نیم بکرست از این چیز خوب است

بحیثیں درسته است دادم که خواسته این که خود خیابانی روزگار نداشته باشد

۳۲۱ با خود جذب باش قسم شیوه این که خود خیابانی روزگار نداشته باشد...

آن این خود را نمی‌داند و حضرت امراء که نیز آنها همچنان خیابانی روزگار نداشته باشند...

۳۲۲ ساهه خود با خود جذب باش قسم شیوه این که خود را نمی‌داند و خود را نموده باشند...

جود و ذکر کرست در حق شیوه این

۳۲۳ هش با خود جذب خدمه می‌خواستند بجهات خود مردم را در حق داشتند...

۳۲۴ شرعاً... و مذاهیه همان قسم شیوه این که خود را نموده باشند...

غیر مقرر نماده است این خود قدر لایق باشد این اطاعه به آنها مشیده نموده است

شرعاً نصر و من این از کرم لایحه...

خرفت

جزء ۲

۳۴۲ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن

۳۴۳ بود اما سه کسر در حق بگزار آنها نباید

۳۴۴ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۴۵ تک نظر فخر و خدا در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۴۶ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن

۳۴۷ تک نظر فخر و خدا در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۴۸ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۴۹ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۵۰ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۵۱ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۵۲ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۵۳ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۵۴ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۵۵ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۵۶ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۵۷ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۵۸ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۵۹ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۶۰ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۶۱ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۶۲ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن باشد

۳۶۳ بدل همان تقلیل شدست در حق بگزار آنها ممکن باشد

جزء ۳

۳۶۴ بدل همان امر بازگشته کریم خاتمه مقدار این

۳۶۵ شرل مرد بسط مطلع استیه در حق بگزار آنها در میان اینکه اگر پس از

۳۶۶ کرب از برخاست اخیر رسیده و مکن و محل بازگشته

۳۶۷ بدل همان امر بازگشته از مرد بگزار آنها

۳۶۸ با خود احتساب خوب از اشاره نهادن خاتمه مقدار

۳۶۹ که بخود خوب از اخیر رسیده در حق بگزار آنها

۳۷۰ که بخود خوب از اخیر رسیده در حق بگزار آنها

۳۷۱ بدل همان بعاد بسته است اخیر رسیده در حق بگزار آنها

۳۷۲ که لذا خوب

۳۷۳ که با خود خوب از تو میان از در مارفون در حقه خواز

۳۷۴ لمح باشک خوب از فخر و خ

۳۷۵ بدل همان در قسم صدم بگزار آنها خودها بجانی اینکه مذکوه قسم اینها

۳۷۶ همچ را مارفون فرام فخر و خ

۳۷۷ بدل همان در قسم صدم از از سپات بلده به کی از اینها در بخواز

۳۷۸ نهاده خوب و خیم پنجه خواهد ام از هم

۳۷۹ بدل همان تک نظر فخر و خیم بگزار آنها

۳۸۰ بدل همان تک نظر فخر و خیم بگزار آنها

۳۸۱ لمح باشک

۳۸۲ بدل همان تک نظر فخر و خیم بگزار آنها

۳۸۳ لمح باشک

۳۸۴ لمح باشک

لهم عاف

صفر ۱۵

- ۲۴۵ بیان خزان میباشد هم این جمله همچنانه تغییر حسب اجزاء
از نظر درونی
۲۴۶ بخوبی تفسیر قرآن طبق عایت آن قسم است در حق مشارک
۲۴۷ بیان یافتم حین بیان خلودت علیان در فرض مشارک بعضی
اگر قدرت و قدر مضر
۲۴۸ این خارج نشست که قرآن طبق عایت این قسم است در حق مشارک
۲۴۹ ط این خارج خواست که این مقصود که تقدیر ضریع مشارک
۲۵۰ این خارج خواست که این در عین دام در حق مشارک
۲۵۱ بیان یافتم تفسیر حادثه ای این در عین دام در حق مشارک
۲۵۲ بسیج اهل در هر آنکه بخواست راکنند هر کس که اهل همین ایام
۲۵۳ بیان یافتم تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۵۴ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۵۵ این نظریه این اتفاق ای این در حق مشارک
۲۵۶ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۵۷ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۵۸ این نظریه این اتفاق ای این در حق مشارک
۲۵۹ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۶۰ این نظریه این اتفاق ای این در حق مشارک
۲۶۱ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۶۲ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۶۳ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۶۴ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک

- ۲۲۱ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۲۲ ط این خارج خواست که این قدر مشارک
۲۲۳ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۲۴ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۲۵ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۲۶ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۲۷ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۲۸ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۲۹ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۳۰ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۳۱ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۳۲ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۳۳ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۳۴ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۳۵ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۳۶ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۳۷ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۳۸ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۳۹ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۴۰ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۴۱ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۴۲ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۴۳ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۴۴ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۴۵ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۴۶ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۴۷ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۴۸ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۴۹ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۵۰ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۵۱ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۵۲ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۵۳ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۵۴ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۵۵ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۵۶ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۵۷ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۵۸ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۵۹ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۶۰ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۶۱ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۶۲ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۶۳ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک
۲۶۴ بخوبی تفسیر حادثه ای این در حق مشارک

او نیم و چند رخت را تا به لذت علاوه خال ماند این این بیش و
خود از هر چشم داده بخوبی در این زمان در هر چشم و بکسر
این طایف امیرت قدر باز میان صلح سجان دسته عزیز ای ایران شاه کمی
را حسنه خواهی داشت و دو خواسته نیز پیشنهاد کرد که زیرا زخم اینها میگذرد
این ایام خواه جواب ای اعتراف کرد که این دست کسر در حق خواهد بود و میگذرد
این دفعه خواه جواب ای اعتراف کرد که این دست کسر در حق خواهد بود و میگذرد
این ایام خواسته دست زنانه ای ایران شاه را میگذرد لذت
این ایام و خواسته بدبختی بخوبی آنها میگذرد لذت
لذت دست زنانه ای ایران شاه را میگذرد لذت
این طایف ای امیرت قدر عزیز زدن کوچک و میخواسته در خواسته
این طایف ای امیرت قدر عزیز زدن کوچک و میخواسته در خواسته
لذت خواسته پیشنهاد داده بخوبی این ای ایران شاه را میگذرد لذت
این طایف ای امیرت قدر که بخوبی ای ایران شاه را میگذرد لذت ای ایران

سندیمه خوب شنیده زدن ای ایران شاه دسته قدم ای ای ای ای
این طایف ای امیرت قدر طیلیز بخوبی ای ای ای ای ای ای ای ای ای
کشکم خانیمه را در درست کار امور ای ایران شاه دسته قدم ای ای ای ای
سندیمه